

## صنعت توپ سازی در دوره احمد شاهی

هنگامیکه اعلیحضرت احمد شاه بابا اساس سلطنت افغانی را در سنه ۱۶۰ هـ در قندهار باز گذاشت، افغانستان محتاج تشکیلات وسیعی بود، که باید در امور ملکی و لشکری گرفته میشد، و از انجمله تشکیل یک اردوی دولتی بود که مجهز به سلاح آن عصر باشد. پیش از جلوس احمد شاهی، مملکت ما دورهای تسلط دو شاهنشاهی بزرگ آنوقت تیموریان هند و صفویان فارس را گذرانیده بود، و لابد مواریثی از تشکیلات نظامی و ملکی و تجهیزات لشکری داشت، و استعمال توپ و تفنگ را عین از عصر بابر و (حدود ۹۰۰ هـ) در افغانستان می بینیم.

احمد شاه بابا چون پیش از سلطنت شخص آزموده کار و یکی از جنرالان نظامی عصر بود، برای عساکر شاهانه توپ و اسلحه ناریه را نیز تهیه دیده بود، که از انجمله در اوراق تاریخ، بوجود برخی از توپهای مشهور عصر احمد شاهی بر میخوریم. گویند در پیکار معروف پانی پت که یک لشکریان افغانی را با ده لک مراته هند جنوبی روی داده بود، ابراهیم خان قوماندان توپخانه مراته، توپهای قلعه کوب بزرگ بود و صد توپ صحرائی داشت ولی قوای احمد شاهی فقط دارای سی توپ بودند<sup>۱</sup> توپ مشهوریست که لشکریان اعلیحضرت احمد شاه بابا آنرا در جنگ و فتح پانی پت استعمال کرده بود. این توپ در سنه ۱۱۲۴ هـ ۱۷۵۰ در لاهور بامروزر شاه ولیخان، ذریعه شاه نظیر توپ ساز ریخته شده بود. و یک توپ دیگر هم نظیر آن بود، که بعد از فتح پانی پت حین انتقال بافغانستان در رود چناب غرق شد.

توپ زمزمه از مس و روی مخلوط ساخته شده و طول آن ۱۴ ف و ۴ ونیم انچ و قطر دهان آن ۹ ونیم انچ است.

توپ زمزمه بعد از فتح پانی پت در لاهور بدست خواجه عبید حکمدار افغانی ماند، که در سال ۱۷۶۲ م بدست هری سنگه افتاد و تا ۱۷۶۴ در شاه برج قلعه لاهور بود. در همین سال سردار چرت سنگه افتاد و تا ۱۷۲۴ در شاه برج قلعه لاهور بود. در همین سال ۱۷۶۲ م بدست هری سنگه که از اسلاف رنجیت سنگه بود، زمزمه را به گوجرانواله برد، و از انجا بدست سردار احمد خان راجپوت به احمد نگر پنجاب آورده شد، و بتصرف گوجر سنگه درآمد.

در سال ۱۷۷۲ باز بدست احمد خان بطرف رسولنگر برده شد، و بسال ۱۷۷۳ جهندا سنگه آنرا با مرنسر آورد، تا در ۱۸۰۲ حین فتح امرتسر بدست رنجت سنگه افتاد، و در جنگهای دسکه، قصور، سجانپور، وزیر آباد، ملتان ازین توپ کار میگرفت در محاصره ملتان باین توپ خسارتی وارد آمد، و بدروازه دهلی شهر لاهور

برصفه یی نصب کردند و تا کنون همانجاست برد هان توپ منقوش است: بامرد رنوران شاولیخان وزیر  
ساخت زمزمه قلعه گیر

(عمل شاه نظیر)

بر پشت توپ نوشته اند:

داور داد بخش عدل شعار	در زمان شه فریدون فر
خسر و تخت گیر و جم مقدار	در دوران عصر احمدشاه
امر از سده سپهر مدار	شد بدستور اشرف الوزراء
توپ شعبان شکوه کوه وقار	که برزد با هتمام تمام
شه ولیخان وزیر اکثر کار	خانه زاد شد سپهر سریر
کرد استاد چند را احضار	بهر تقدیم آن مهم سترگ
زمزمه نام توپ نادر کار	تاسعی تمام ریخته شد
کرد باوحشت آنچنان اظهار	سال تاریخش از خرد جسم
راز پنهان بتوکنم تکرار	که اگر نقد جان کنی تسلیم
"پیکراژ دهای آتشار" ۲	بعد تسلیم او بگفتا توپ

(۱۱۴۶هـ)

از توپهای دیگر آن عصر در اطلاع در دست است. در کتب خانه فاضل سخندان شاغلی گویا اعتمادی  
جنگی نهایت گرانها موجود است،<sup>۳</sup> که مملو از اطلاعات بسیار مغتنم و نادر تاریخی است و نویسنده آن  
متخلص به (هراتی) نواسه عبدالله ابن ابو سعید الهروی بود، که غالباً در عصر احمد شاهی و تیمور شاهی  
با رجال دیوان انشای شهنشاهی محشور بوده. مطالب تاریخی این مجموعه گرانها درخور مقاله علیحده  
یست، ولی درینجا باجارت دانشمند موصوف که با کمال مهربانی و روا داری این مجموعه نفیس را  
بدسترس نویسنده گذاشته اند، تاریخ ساختن دو توپ دیگر را مینویسیم:<sup>۴</sup>  
در سنه (۱۱۸۵هـ) که شهزاده تیمور در هرات حکمرانی داشت با مروی توپی را در انجا بوسیله صنعت گران  
آن شهر ریخته بودند. تاریخ ساختن آنها میرزاهای خان متخلص به عشرت بن میرزا عبدالله متخلص به سرور  
(به دو ضمه) که از منشیان و شعرای دربار بود، چنین گفت:  
وله دام عزه در تاریخ توپ که بحسب فرمایش تیمور شاه در هرات ریخته شده .  
از مصراع اخیر سنه ۱۱۸۵هـ که در اصل هم بخط سرخ نوشته شده برمی آید. و از مضمون قطعه معلوم  
است، که درین اوقات توپهای متعدد را در هرات ساخته بودند.  
اما توپ دیگر بامر همین شزاده، در سنه ۱۱۷۰هـ در لاهور به توجه دستور او و کار حسن خان " یکی از توپ

سازان " ساخته شده بود، که همان شاعر و منشی تاریخ ساختن آنرا چنین منظوم داشت :

زنواب همایون شاه تیمور آنکه از بیمش  
نگیر دسر بلك وکشور او گردن اعدا  
زبی دست، ستم از عدل کوتاه بود شاید  
کشدگر غمزه دلبر بعهدش دست از یغا  
جوان جادر ورود طبع یونش، بکین خواهی  
زند برهم زچین ابروان چین را بیک ایما  
رود ساغر زدست و شیشه قالب میکند خالی  
زییم احتشاش میگریزد نشأ از صهبا  
بدستور معظم آصف دوران که تدبیرش  
بود مفتاح ابواب امور دین و هم دنیا  
خروشدهر سپاه او بوقت جنگ در میدان  
فتدکوه گران را از فهیش لرزه بر اعضا  
شد امر زبهر تویی چنین تاریخند استادان  
بخوبی از برای دفع بداندیش بی پروا  
طلب و مود دستور معظم او ستادان را  
که هر یک بود نادر در فن خود بلکه بی همتا  
حسن خان کرد بوجه حسن اقبال این معنی  
که ریزد توپها چون آب روی زمره اعدا  
ز اقبال شه و دستور اعظم توپ خصم افگن  
بانده روزگاری بر سرعراده شد برپا  
سر دشمن پی تاریخ او چون کوفتم گفتم  
" اساس هستی دشمن به آراز افگند از پا<sup>۵</sup>"

در عنوان این قطعه کلمات ( وله تاریخ توپ که بحسب فرمایش تیمور شاه در دارالسلطنه لاهور ریخته شده )  
و این همان وقتی است که شهزاده در لاهور نایب السلطنه هندوستان بود، و دستور معظم او هم شاید سردار  
جهان پوپلزایی باشد، که در هند بحضور نایب السلطنه افغانی قیام داشت.  
تاریخ ساختن این توپ از مصراع اخیر (۱۱۷۰هـ) بر میآید، که در اصل جنگ نیز بخط سرخ زیر آن نوشته  
اند ولی این عدد در صورتی راست می آید که الف ممدود کلمه آواز را بدو الف بشماریم والا بحساب  
جمل مجموعه اعداد حروف مصراع (۱۱۶۹هـ) خواهد بود.

از کلمات توپیی چند نیز ظاهر است که در انوقت در لاهور توپهای متعدد را ساخته اند اما حسن خان سازنده این توپ شاید همان توپ سازی باشد، که شاگرد استاد شاه نظیر سازنده توپ زمزمه بود، و شاغلی عزیزالدین پوپلزی نام او را محبوب حسن نوشته و گوید که در سنه ۱۲۱۲ هـ بامر اعلیحضرت شاه زمان بکابل خواسته شده و توپ معروف زبر زنگ را که ( تاریخ آن از کلمات پیک ظفر ۱۲۱۲ هـ برمی آید) ریخته بود<sup>۶</sup> شاغلی پوپلزی در تاریخچه زبرزنگ اضافه میکند که این توپ در برابر ایوان قصر چهل ستون خبابان کابل نصب بود، ولی سردار محمد عظیم خان آنرا به برادرش سردار دوست محمد خان بخشید و او را به حکمرانی غزنی فرستاد<sup>۷</sup> این اشارات شاغلی پوپلزی اگر مستند به مدارک معتبری باشد چنان میرساند، که سردار دوست محمد خان زبرزنگ را به غزنه انتقال داده باشد پس میتوان بقیه بیوگرافی این توپ را از آثار مؤرخان مابعد تکمیل کرد باین تفصیل :

در سال ۱۸۳۹ هم چون لشکر معروف اندوس بر افغانستان تجاوز کرده، و سردار غلام حیدر خان بن امیر دوست محمد خان از غزنه دفاع میکرد توپیی بزرگ در دسترس مجاهدین ملی ما بود، که نقش آن در همان ۱۸۳۹ م بقلم جنرالان لشکری انگلیس ساخته شد، و در کلکسیون تصاویر تاریخی لشکر اندوس به رییس و هیئت مدبره ایست اندیا کمپنی از طرف فوروبل والتر تقدیم گردید و این کلکسیون نفیس در چند جلد در همان سال ۱۸۳۹ م بسعی سرکیت ای جیکسن طبع و نشر شد.

ذکری ازین توپ کلان غزنه در نوشتههای جنرالان و مؤرخان انگلیسی نیز موجود است، و میرزا عطا محمد شکار پوری در کتاب تازه نوای معارک، شرح جنگ غزنه و حمله لشکر انگلیسی بران گوید:

" در گوله توپ از جانب قلعه (غزنی) برآمده، در میان لشکر افتادند. یک نفر شتر و یک نفر سپاهی و یک اسپ چون کاغذ بادی بر هوا پریدند. صاحبان عالیشان، هرگاه همان گوله را وزن کردند بیست و شش سیر وزن پخته شده. در صورت رسیدن اینچنین گولهای توپ، در لشکر باعث تلبکه شده، و تمام فوج در هراس آمد"<sup>۸</sup>

این سطور را غالباً منشی شکار پوری از تاریخ افغانستان تألیف میر اشرف علی بانی مجمع الاخبار طبع بمعنی ۱۸۴۵ م گرفته که میر موصوف نیز آنرا از وقایع سید فدا حسین ترکسوار بخاری حیدری (طبع دهلی قبل از ۱۸۴۵ م) گرفته است.

چون فدا حسین در لشکر اندوس با افغانستان آمده وقایع جنگ اول را برای العین دیده است، بنا بران روایت وی در باره اهمیت توپ غزنه اوثق است ولی بیقین معلوم نیست که این توپ همان زبرزنگ بود یا دیگری؟

## ما آخذ

۱. معارف اعظم کده بابت سال ۱۳۲۹ ش .
۲. اریانا کابل . شماره ۸۹. جوزا ۱۳۲۹ ش ترجمه از معارف اعظم کده بقلم نویسنده.
۳. احمد شاه بابا ۲۰ رجب ۱۱۸۶ هـ در کوه توبه کوژک قندهار از جهان رفت و تیمور شاه بجایش نشست، اما درین قطعه در سنه ۱۱۸۵ هـ تیمور را شاه خوانده اند که سکه زده بود. و ازین پدید می آید که شهزاده در اواخر زندگی پدر در هرات اعلان شاهی را داده باشد.
۴. جنگی خطی شاغلی گوبا اعتمادی، ص ۳۹.
۵. همان جنگ خطی، ص ۴۰.
۶. دره الزمان، ص ۳۱ طبع کابل.
۷. همان کتاب ص ۲۱۱ ولی شاغلی نویسنده کتاب درینجا حواله وسند خود را در باره این معلومات مغتنم ننوشته، کجا فراهم آورده اند؟ یکاش! مدارک خود را در حواشی نشان میدادند.
۸. نوای معارک، ص ۳۹۳ طبع حبیبی .